



تاریخ تصویب : ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

قانون داورى تجارى بين المللى

قانون داورى تجارى بين المللى

فصل اول - مقررات عمومى

ماده ۱ - تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتى که در این قانون به کار رفته است به قرار ذیل مى باشد:

الف - " داورى " عبارت است از رفع اختلاف بين متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقى یا حقوقى مرضى الطرفین و یا انتصابى.

ب - داورى بين المللى عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داورى به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.

ج - " موافقتنامه داورى " توافقى است بين طرفین که به موجب آن تمام یا بعضى از اختلافاتى که در مورد یک یا چند رابطه حقوقى معین اعم از قراردادى یا غیر قراردادى به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داورى ارجاع مى شود. موافقتنامه داورى ممکن است به صورت شرط داورى در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

د - " داور " اعم از داور واحد و یا هیات داوران است.

ه - منظور از " دادگاه " در این قانون یکی از دادگاههای تشکیلات قضایى جمهوری اسلامى ایران مى باشد.

و - در هر موردى که در این قانون به توافق موجود بين طرفین یا توافقى که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داورى مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده ۲ - قلمرو اجرا

۱- داورى اختلافات در روابط تجارى بين المللى اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاریهای فنى، نمایندگی، حق العمل‌کارى، پیمانکارى و فعالیتهاى مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.

۲- کلیه اشخاصى که اهلیت اقامه دعوا دارند مى‌توانند داورى اختلافات تجارى

بين المللى خود را اعم از اينکه در مراجع قضايى طرح شده يا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات اين قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده ۳ - ابلاغ اوراق و اخطار يه ها

در صورتی که بين طرفين راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد:

الف - در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.
ب - داور می تواند راساً " نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفين ارسال دارد.

ج - متقاضی داوری می تواند درخواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دو قبضه، پیام تصویری، تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد، درخواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می شود که :

۱ - وصول آن به مخاطب محرز باشد.

۲ - مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.

۳ - مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده ۴ - شروع جریان داوری

الف - داوری از زمانی شروع می شود که درخواست داوری بر اساس مفاد ماده (۳) اين قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد، مگر اینکه طرفين به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ب - جز در مواردی که ترتیب دیگری بين طرفين مقرر شده باشد، درخواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱ - درخواست ارجاع اختلاف به داوری.

۲ - نام و نشانی طرفين.

۳ - بیان ادعا و خواسته آن.

۴ - شرط داوری و یا موافقتنامه داوری.

درخواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم اين قانون و همچنین راجع به موافقتنامه ها، قراردادهای و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده ۵ - انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفين با علم به عدم رعایت مقررات غیر آمره اين قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا

در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف نظر کرده است.

ماده ۶ - مرجع نظارتی

۱ - انجام وظایف مندرج در ماده (۹)، بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) ، بند (۱) ماده (۱۴) ، بند (۳) ماده (۱۶) ، ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داورى در آن قرار دارد، و تازمانی که مقر داورى مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است.

تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیر قابل اعتراض است.

۲- در داورى‌های سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۴) به عهده سازمان داورى مربوط است.

فصل دوم - موافقتنامه داورى

ماده ۷ - شکل موافقتنامه داورى

موافقتنامه داورى باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آنها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید. یابکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آنرا ادعا کند و طرف دیگر عملاً " آنرا قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داورى باشد نیز به منزله موافقتنامه مستقل داورى خواهد بود.

ماده ۸ - موافقتنامه داورى و دعوای مطروحه نزد دادگاه

دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داورى نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داورى احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داورى باطل و ملغی‌الاثراً یا غیر قابل اجرا می‌باشد.

طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داورى و صدور رای داورى نخواهد بود.

ماده ۹ - موافقتنامه داورى و قرار تامین یا دستور موقت

هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داورى می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تامین و یا دستور موقت را درخواست نماید.

فصل سوم - ترکیب هیات داورى

ماده ۱۰ - تعداد داوران

تعيين تعداد داوران بر عهده طرفين اختلاف است. در صورت عدم تعيين، هيات داورى مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده ۱۱ - تعيين داوران

۱ - طرفه‌هاى اختلاف مى‌توانند با توجه و رعايت مقررات بندهاى (۳) و (۴) اين ماده در مورد روش تعيين داور توافق نمايند. طرف ايرانى نمى‌تواند مادامى که اختلاف ايجاد نشده است به نحوى از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا به داورى یک يا چند نفر مرجوع نمايد که آن شخص يا اشخاص داراى همان تابعيتى باشند که طرف يا اطراف وى دارند.

۲ - در صورت نبودن چنين توافقى به ترتيب زير اقدام خواهد شد:

الف - براى تعيين هيات داورى، هر طرف داور خود را انتخاب مى‌کند و داوران منتخب، سرداور را تعيين خواهند کرد. چنانچه يکى از طرفين ظرف سي (۳۰) روز از تاريخ شروع داورى، داور خود را تعيين و قبولى وى را تحصيل نکند يا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سي (۳۰) روز از تاريخ انتخاب درمورد سرداور توافق و قبولى وى را تحصيل نمايند، بنا به تقاضاى يکى از طرفين حسب مورد تعيين داور طرف ممتنع يا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

ب - در داورى یک نفره، اگر طرفين نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنا به تقاضاى يکى از طرفين توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعيين خواهد شد.

۳ - هرگاه براساس روش تعيين داور که مورد توافق طرفين قرار گرفته است، يکى از طرفين اقدام نمايد يا طرفين و يا داوران منتخب به توافق نرسند و يا اينکه شخص ثالث، اعم از حقيقى يا حقوقى به وظيفه‌اى که در اين خصوص به وى محول شده است، عمل نمايد، هر کدام از طرفين مى‌تواند براى اتخاذ تصميم به مرجع موضوع ماده (۶) مراجعه نمايد مگر اينکه طريق ديگرى مورد توافق طرفين قرار گرفته باشد.

۴ - مقام ناصب بايد کليه شرايطى را که طرفين در موافقتنامه براى تعيين " داور " مقرر داشته‌اند رعايت نموده و استقلال و بى‌طرفى " داور " را ملحوظ نمايد. در هر صورت سرداور را بايد از اتباع کشور ثالث انتخاب نمايد و داور طرف ممتنع از بين اتباع کشور طرف ديگر منصوب نخواهد شد.

۵ - هرگاه در موافقتنامه داورى طرفين ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص يا اشخاص معينى داورى نمايند و آن شخص و يا اشخاص نخواهند يا نتوانند به عنوان داور رسيدگى کنند، موافقتنامه داورى ملغى‌الاثر خواهد بود مگر آنکه طرفين به داورى شخص يا اشخاص ديگرى تراضى کنند يا به نحوى ديگر توافق کرده باشند.

- ۶- در مواردی که داورى بیش از دو طرف داشته باشد و طرفها به نحو دیگری توافق ننموده باشند هیات داورى به ترتیب زیر تعیین خواهد شد:
- الف - خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهانها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین روش تعیین می شود.
- چنانچه خواهانها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند داور هر یک از طرفین (خواهانها یا خواندگان) بوسیله مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.
- ب - تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین می شود.
- ج - هرگاه در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داورى، اختلاف باشد هیات داورى مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (۶) خواهد بود.
- د - سایر موارد در داوریهای چندجانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوریهای دو جانبه مقرر شده است.

ماده ۱۲ - موارد جرح داور

- ۱ - "داور" در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد علی که پس از تعیین "داور" از آنها مطلع شده، می تواند داورى را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.
- ۲ - شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می شود، افشا نماید. "داور" باید از موقع انتصاب به عنوان "داور" و در طول جریان داورى نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تاخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده ۱۳ - تشریفات جرح

- ۱ - طرفین می توانند در مورد تشریفات جرح "داور" توافق نمایند.
- ۲ - در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح "داور" را دارد باید ظرف (۱۵) روز از تاریخ اطلاع از تشکیل "داورى" یا اطلاع از هر گونه اوضاع و احوال مذکور در بند (۱) ماده (۱۳) دلایل جرح را طی لایحه ای به "داور" اعلام کند. "داور" در مورد جرح اتخاذ تصمیم می کند، مگر اینکه "داور" مورد جرح از سمت خود کناره گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.
- ۳ - جرحی که با رعایت تشریفات بندهای (۱) و (۲) این ماده به عمل آمده است اگر مورد

قبول قرار نگیرد، طرفی که "داور" را جرح کرده می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت اظهاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (۶) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است "داور" می‌تواند جریان داورى را ادامه داده و رای نیز صادر کند.

ماده ۱۴ - قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

۱ - اگر یک داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تاخیر موجه نشود، مسوولیت وی خاتمه می‌یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هریک از آنها می‌تواند از مرجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم ماموریت "داور" مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

۲ - صرف کناره‌گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم ماموریت "داور"، به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت بر انجام وظیفه نخواهد بود.

ماده ۱۵ - تعیین داور جانشین

هرگاه ماموریت یک "داور" به موجب مواد (۱۳) یا (۱۴) یا به علت کناره‌گیری، یا به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو ماموریت او و یا به جهت ودلایل دیگری خاتمه پذیرد "داور" جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داورى که تغییر یافته است، تعیین می‌شود.

فصل چهارم - صلاحیت "داور"

ماده ۱۶ - اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

۱ - "داور" می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داورى اتخاذ تصمیم کند. شرط داورى که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه‌ای مستقل تلقی می‌شود، تصمیم "داور" در خصوص بطلان و ملغی‌الاثربودن قراردادی‌نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داورى مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲ - ایراد به صلاحیت "داور" نباید موخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد. صرف تعیین "داور" و یا مشارکت در تعیین وی توسط هریک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج "داور" از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داورى باید به محض بروز آن عنوان شود "داور" می‌تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد، مشروط بر آنکه تاخیر را موجه تشخیص دهد.

۳ - در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داورى (جز

در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) "داور" باید به عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج "داور" از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رای ماهوی به عمل آید. چنانچه "داور" به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد، هریک از طرفین می تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است "داور" می تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رای نیز صادر کند.

ماده ۱۷ - اختیار "داور" برای صدور دستور موقت

"داور" می تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند "داور" می تواند مقرر نماید که متقاضی تامینی مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تامینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد "داور" از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

فصل پنجم - نحوه رسیدگی داورى

ماده ۱۸ - رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین باید به نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارایه دلایل داده شود.

ماده ۱۹ - تعیین قواعد رسیدگی

۱ - طرفین می توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داورى توافق نمایند.

۲ - در صورت نبودن چنین توافقی "داور" با رعایت مقررات این قانون، داورى را به نحو مقتضی اداره و تصدی می نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل بر عهده "داور" است.

ماده ۲۰ - محل داورى

۱ - داورى در محل مورد توافق طرفین انجام می شود. در صورت عدم توافق، محل داورى با توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط "داور" تعیین می شود.

۲ - "داور" می تواند برای شور بین اعضا، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند

تشكيل جلسه دهد، مگر طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.

ماده ۲۱ - زبان

طرفين مى‌توانند در مورد زبان يا زبانهاى مورد استفاده در رسيدگى داورى توافق نمايند. در غير اين صورت "داور" زبان يا زبانهاى مورد استفاده در داورى را تعيين مى‌کند. توافق طرفين يا تصميم "داور" در اين مورد شامل هرگونه لايحه، مدرک و دليل طرفين، مذاکرات جلسات رسيدگى، مراسلات "داور" و صدور راي خواهد بود.

ماده ۲۲ - درخواست و دفاعيه

۱ - خواهان بايد ظرف مهلتى که طرفين توافق کرده‌اند يا توسط "داور" تعيين شده است، تعهدات يا جهات ديگرى که به موجب آن خود را مستحق مى‌داند، همچنين نکات مورد اختلاف و خواسته يا خسارت مورد درخواست را ارايه کند، و خوانده نيز بايد دفاعيه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق يا تعيين شده توسط "داور" تسليم کند.

طرفين مى‌توانند کليه مدارکى را که مرتبط تشخيص مى‌دهند و يا فهرست مدارک يا ساير ادله‌اى که در نظر دارند بعداً "تسليم کنند همراه با درخواست يا دفاعيه خود تقديم دارند.

۲ - چنانچه بين طرفين ترتيب ديگرى مقرر نشده باشد، هريك از آنها مى‌تواند دادخواست يا دفاعيه خود را در طول رسيدگى داورى اصلاح يا تکميل کند، مگر آنکه "داور" چنين اصلاح يا تکميلي را به علت تاخير يا تبغيض نسبت به طرف ديگر مجاز تشخيص ندهد.

ماده ۲۳ - جلسه استماع و رسيدگى

۱ - تشخيص لزوم تشكيل جلسه براى ارايه ادله و توضيحات بر عهده "داور" است لکن در صورتى که يکى از طرفين در زمان مناسب درخواست تشكيل جلسه نمايد، برگزار نمودن جلسه استماع الزامى است مگر اينکه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.

۲ - "داور" بايد تشكيل هرگونه جلسه استماع و يا جلسه رسيدگى براى بازرسى کالا و يا ساير اموال و يا مدارک طرفين را تا مهلت كافي به طرفين ابلاغ کند.

۳ - کليه لوايح، مدارک يا ساير اطلاعاتى که توسط يکى از طرفين به "داور" تسليم شده و همچنين گزارش کارشناسى يا ارزىابى با مدارکى که ممکن است، "داور" هنگام اتخاذ تصميم به آنها استناد کند، بايد براى طرفين ابلاغ شود.

ماده ۲۴ - قصور هرکدام از طرفين

۱ - چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقديم درخواست قصور کند، "داور" قرار ابطال

درخواست داورى را صادر خواهد کرد.

۲- در صورتى که خواننده بدون عذر موجه در تقديم دفاعیه قصور کند "داور" رسيدگى را ادامه خواهد داد، بدون اينکه کوتاهی مزبور فى نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خواننده تلقى شود.

۳- اگر هر يك از طرفين از حضور در جلسه استماع و يا ارايه ادله مورد استناد خویش خوددارى کند "داور" می تواند رسيدگى را ادامه دهد و براساس مدارک موجود به صدور رای مبادرت کند.

ماده ۲۵- ارجاع امر به کارشناس

"داور" می تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هر کدام از طرفين هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختيار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسى وی را به مدارک مربوط، کالا، يا ساير اموال برای انجام بازيبني فراهم آورد، مگر اينکه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند. در صورت درخواست يکى از طرفين و يا در صورتى که "داور" لازم بداند کارشناس بايد پس از تقديم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سوالات پاسخ بگويد، طرفين نیز می توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس يا کارشناسانی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۲۶- ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داورى برای خود مستقلا حقی قابل باشد و يا خود را در محق شدن يکى از طرفين ذی نفع بداند، می تواند مادام که ختم رسيدگى اعلام نشده است وارد داورى شود، مشروط بر اينکه موافقتنامه و آيين داورى و "داور" را بپذيرد و ورود وی مورد ايراد هيچ کدام از طرفين واقع نشود.

فصل ششم - ختم رسيدگى و صدور رای

ماده ۲۷- قانون حاکم

۱- "داور" برحسب قواعد حقوقی که طرفين در مورد ماهيت اختلاف برگزيده اند، اتخاذ تصميم خواهد کرد. تعيين قانون يا سيستم حقوقی يک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گيرد، به عنوان ارجاع به قوانين ماهوی آن کشور تلقى خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول اين حکم نخواهد بود، مگر اينکه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.

۲- در صورت عدم تعيين قانون حاکم از جانب طرفين "داور" براساس قانونی به ماهيت اختلاف رسيدگى خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخيص دهد.

۳- "داور" در صورتى که طرفين صريحا اجازه داده باشند، می تواند براساس عدل و

انصاف يا به صورت كدخدامنشانه تصميم بگيرد.

۴ - "داور" بايد در كلييه موارد براساس شرايط قرارداد اتخاذ تصميم كند، و عرف بازرگانى موضوع مربوط را مورد نظر قرار دهد.

ماده ۲۸- سازش

چنانچه طرفين در جريان رسيدگى، اختلافات خود را از طريق سازش حل كنند، "داور" قرار سقوط دعواى داورى را صادر مى كند و چنانچه يكي از طرفين تقاضا كند و طرف مقابل اعتراض نكند، موافقتنامه سازش را به صورت راي داورى براساس شرايط مرضى الطرفين با رعايت مفاد ماده (۳۰) صادر مى كند.

ماده ۲۹- اخذ تصميم توسط گروه داوران

در داوريهايي كه توسط بيش از يك داور صورت مى گيرد، هر تصميم هيات داورى بايد با اكثريت اعضاي هيات داورى اتخاذ شود، مگر اينكه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.

ماده ۳۰- شكل و محتوای راي

۱ - راي بايد به صورت كتبي باشد و به امضای داور يا داوران برسد. در موردی كه داور بيش از يك نفر باشد، امضای اكثريت كافي خواهد بود، مشروط بر اينكه علت عدم امضای ديگر اعضا ذكر شود.

۲ - كلييه دلایلي كه راي بر آنها مبتنى است، بايد در متن راي آورده شود، مگر اينكه طرفين توافق کرده باشند كه دلایل راي ذكر نشود، يا راي براساس شرايط مرضى الطرفين به موجب ماده (۲۸) صادر شده باشد.

۳ - راي بايد حاوى تاريخ و محل داورى موضوع بند (۱) ماده (۲۰) باشد.

۴ - پس از امضای راي، رونوشت آن بايد به هريك از طرفين ابلاغ شود.

ماده ۳۱- ختم رسيدگى

رسيدگى داورى با صدور راي نهايى يا به موجب دستور "داور" در موارد زير خاتمه مى يابد:

۱ - استرداد دعوا توسط خواهان مگر اينكه خوانده بدان اعتراض نمايد و "داور" براى وى منافع قانونى و موجهى در حل و فصل نهايى اختلاف احراز نمايد.

۲ - عدم امكان و يا عدم لزوم ادامه رسيدگى به دليل ديگر به تشخيص "داور".

۳ - توافق طرفين در ختم رسيدگى

ماده ۳۲ - اصلاح، تفسير راي و راي تكميلي

۱ - "داور" می‌تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا راسا هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رای را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند. مهلت تقاضای طرفین سی(۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رای می‌باشد، و باید نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود. "داور" حداکثر ظرف سی(۳۰) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که راسا متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی(۳۰) روز از تاریخ صدور رای، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

۲ - هر کدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی(۳۰) روز از تاریخ دریافت رای، از "داور" تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رای مسکوت مانده است رای تکمیلی صادر کند. "داور" چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت(۶۰) روز نسبت به صدور رای تکمیلی اقدام می‌کند. "داور" می‌تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.

۳ - مقررات ماده (۳۰) در مورد اصلاح، تفسیر و رای تکمیلی لازم‌الرعایه است.

فصل هفتم - اعتراض به رای

ماده ۳۳- درخواست ابطال رای

۱ - رای داورى در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:

الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

ب - موافقتنامه داورى به موجب قانونی که طرفین برآن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه‌های تعیین داور یا درخواست داورى رعایت نشده باشد.

د - درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارایه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

ه - "داور" خارج از حدود اختیارات خود رای داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داورى قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رای که خارج از حدود اختیارات "داور" بوده، قابل ابطال است.

و - ترکیب هیات داورى یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داورى نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داورى، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز - رای داورى مشتمل بر نظر موافق و موثر داورى باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.

ح - رای داورى مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

- ط - پس از صدور رای داورى مداركى يافت شود كه دليل حقانيت معترض بوده و ثابت شود كه آن مدارك را طرف مقابل مکتوم داشته و يا باعث كتمان آنها شده است.
- ۲ - در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفى كه از سند مجعول يا مکتوم متضرر شده است، مى تواند پيش از آنكه درخواست ابطال رای داورى را به عمل آورد، از "داور" تقاضای رسيدگى مجدد نمايد، مگر در صورتى كه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.
- ۳ - درخواست ابطال رای موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاريخ ابلاغ رای داورى اعم از رای تصحيحى، تکميلى يا تفسيرى به معترض، بايد به دادگاه موضوع ماده (۶) تقديم شود، و الا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴ - بطلان رای

در موارد زیر رای "داور" اساسا باطل و غير قابل اجراست:

- ۱ - در صورتى كه موضوع اصلى اختلاف به موجب قوانين ايران قابل حل و فصل از طريق داورى نباشد.
- ۲ - در صورتى كه مفاد رای مخالف با نظم عمومى يا اخلاق حسنه کشور و يا قواعد آمره این قانون باشد.
- ۳ - رای داورى صادره در خصوص اموال غير منقول واقع در ايران با قوانين آمره جمهورى اسلامى ايران و يا با مفاد اسناد رسمى معتبر معارض باشد، مگر آنكه در مورد اخير "داور" حق سازش داشته باشد.
- فصل هشتم - اجرای رای

ماده ۳۵ - اجرا

- ۱ - به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داورى كه مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعى و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست كتبى از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتيبات اجرای احكام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته مى شوند.
- ۲ - در صورتى كه يکى از طرفين از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رای داورى را به عمل آورده باشد و طرف ديگر تقاضای شناسايى يا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه مى تواند در صورت درخواست متقاضى شناسايى يا اجرای رای، مقرر دارد كه درخواست كننده ابطال تايمين مناسب بسپارد.
- فصل نهم - ساير مقررات

ماده ۳۶ - ساير مقررات

- ۱ - داورى اختلاف تجارى بين المللى موضوع این قانون از شمول قواعد داورى مندرج در

قانون آيين دادرسى مدنى و ساير قوانين و مقررات مستثنى است.

۲- اين قانون نسبت به ساير قوانين جمهورى اسلامى ايران كه به موجب آنها اختلافات خاصى را نمى توان به داورى ارجاع كرد، تاثيرى نخواهد داشت.

۳- در صورتى كه در معاهدات و توافقهائى فى مابين دولت جمهورى اسلامى ايران و ساير دول ترتيبات و شرايط ديگرى براى داوريهاى موضوع اين قانون مقرر شده باشد، همان ترتيبات و شرايط متبع خواهد بود.

تاريخ تصويب ۱۳۷۶.۶.۲۶

تاريخ تايد شوراي نگهبان ۱۳۷۶.۷.۹

۱۳۹۶ © حق كيبى رايت متعلق به مركز پژوهشهاى مجلس شوراي اسلامى ايران مى باشد

